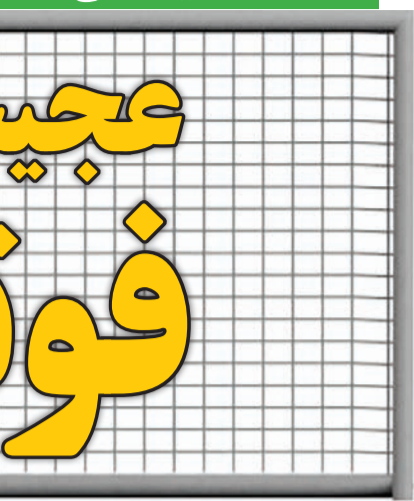








هشت نتیجه‌ای که



کاملاً عجیب و غریب. منچستر یونایتد در این روانه کردند، در حالی که آرسنال بیست شوت یونایتد بیشتر بود. با این حال این نتیجه تا بستان آن سال دو نفر از ستاره‌های خود یعنی هواداران آرسنال تصمیم گرفتند توی روی ای



این دیدار جلوهای از بالا و پایین بودن دائمی اخیر لیگ جزیره داشتند و حداقل برای آن بازتاب‌دهنده واقعیت بازی نبود، چون سه گل به سبک خلبان‌های ژاپنی در جنگ جهانی ممکن در زمین خودش تحقیر کرد و سرورص خواب را از هواداران منچستر یونایتد گرفت.



در فوتبال جایی برای سیاست نیست، اما سید دو دروازه‌بان ذخیره، بقیه بازیکنان آن‌ها هم به دنیا آمده بود و «برونو متسو» مربی سنگا ملی آن‌ها اصلاً قابل قیاس نبودند. فرانسه، برای اولین بار به جام جهانی راه یافته بود موفق شد برای سنگال گلزنی کند، ورزشگاه جایی نرسید و سنگال اولین شگفتی جام جهان



برمی‌گردیم به جام جهانی ۲۰۰۲؛ جام شگ به نیمه‌نهایی می‌رسد، رونالدو در برزیل احیای گروهش حذف می‌شود، اما غیرمحمتمل‌ترین پایانی موفق به شکست بزرگانی چون پرتغال به گلزنی شده و انتقام خود را از ایتالیایی‌ها بسزایی داشتند.



هنوز به هفته دهم نرسیده‌ایم، صدای تغییر سرمربی تیم‌های آید تیمکتهای لرزان

تا این جا «علیرضا منصوریان»، «لوکا پوناچیچ» و «اکبر میثاقیان» سرمربیانی هستند که از تیم‌هایشان در لیگ برتر کنار گذاشته شده‌اند. «حمید درخشان» و «علی کریمی» در نفتی که نامش هم از تهران به پلاطیه تغییر پیدا کرده در رفت‌وآمد بوده‌اند. «زلاتکو کرانچار» تا آستانه برکناری از سپاهان هم رفته، «مجید جلالی» پیش از آن که پنج پیروزی پیاپی‌اش را در پیکان آغاز کند فاصله زیادی با اخراج نداشت. «علی نظرمحمدی» یک‌بار استعفا داده و بعد در سپیدرود ماندگار شد؛ البته هیچ مربی دیگری هم در صورتی که نتایج تیمش مطلوب نباشد جایگاه مطمئنی نخواهد داشت.

صندلی‌های لرزان فقط برای مربیان است. در حالی که آن‌ها فقط یکی از ارکان هر باشگاه هستند. تغییر یا نگه داشتن سرمربی و حمایت از او در ذات خود درست یا نادرست نیست و تصمیم مطلوب کاملاً متناسب با شرایط باشگاه‌هاست. در تاریخ لیگ برتر، کم نبوده‌اند تیم‌هایی که در میانه فصل، سرمربی خود را تغییر داده‌اند و بعد با حل نشدن مشکل مجبور شده‌اند تغییر سرمربی را باز هم ادامه بدهند و در نهایت هم نتیجه نگرفته‌اند؛ البته زمان‌هایی بوده است که با تغییر سرمربی، تیم به سامان رسیده و تغییر رونق داده است. در واقع نسخه تغییر مربی برای همه دردها در فوتبال ایران به کار می‌رود. اگر مشکل در توانایی‌های بازیکنان، مدیریت باشگاه، تدارکات تیم و امکانات هم باشد در نهایت این مربیان هستند که قربانی می‌شوند و کاسه‌ها سر آن‌ها شکسته می‌شود. کمتر لیگی است که پیش از رسیدن به هفته دهم، تیم‌هایشان تا این حد دچار تحول شده باشند. بیشتر به نظر می‌رسد که تغییر مربی، راه مدیران برای خارج شدن از فشار و مقصر جلوه دادن مربیان است تا نسخه شتاببخش تیم‌ها. تغییر مربی فقط زمانی کارساز است که تیم دچار مشکلات فنی است؛ البته وقتی آقای مدیر قرار است صرفاً کاری کرده باشد.



هر روز پدیده گردوغبار در استان‌های کشور جدی تر می‌شود

مهمان ناخوانده

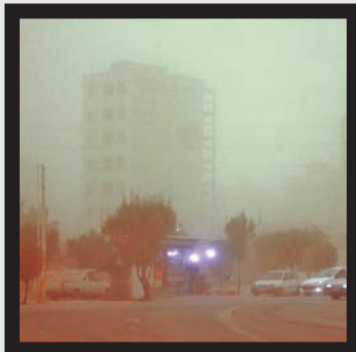
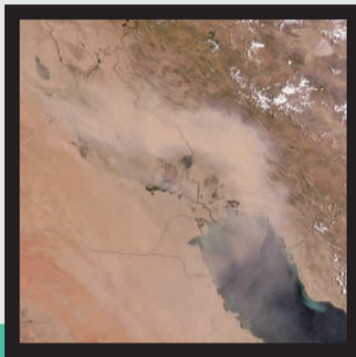
کشورها را دچار مشکل می‌کند. متأسفانه کشور ما از چند جهت درگیر این مسئله شده است. خشکسالی زیاد و جنگ در خاورمیانه و بهره‌برداری زیاد از منابع آب در آسیای میانه، بحران ریزگردها را از قبل جدی‌تر کرده‌اند. استان‌های کشور ما یکی پس از دیگری درگیر این مهمان ناخوانده شده‌اند و ظاهراً پس از استان‌های جنوبی و غرب کشور نوبت به استان‌های شمال شرق و شرقی رسیده است.

ریزگردها به مشهد هم رسیدند

خراسان رضوی به عنوان یکی از استان‌های بزرگ کشور از شمال و شمال شرق کشور با ترکمنستان، از شرق با افغانستان و از جنوب و جنوب شرق به استان خراسان جنوبی و از غرب به استان‌های یزد و سمنان و از شمال غرب با استان خراسان شمالی همسایه است. آب‌وهوای استان به علت تأثیرگذاری عوامل مهمی مانند موقعیت جغرافیایی، وجود مناطق کویری (کویر نمک و کویر مرکزی) و کوه‌های مرتفع، خشک تا نیمه‌خشک است. اهالی خراسان رضوی همین‌جوری هم در موقعیت خشک و بیابان ماندنی قرار گرفته‌اند و متأسفانه همسایه‌هایشان هم بهتر از آن‌ها نیستند و به عنوان منشأ گردوغبار می‌توان روی آن‌ها حساب کرد. منشأ بخشی از ریزگردهای استان خراسان رضوی، بیابان‌های کشورهای همسایه مثل افغانستان در بخش شرقی و ترکمنستان در بخش شمالی استان است. به جز دشت‌ها و بیابان‌هایی که در خراسان رضوی وجود دارند، منطقه بیابانی قره‌قوم که صحرایی شنی است و در فاصله ۴۰۰ کیلومتری مشهد قرار دارد و همچنین بادهای صوبیست روزه هرات در افغانستان دست‌به‌دست هم داده‌اند و در کنار ۱۴ سال خشکسالی مداوم در خراسان دام‌هایی که طبیعت منطقه را جویده و از بین برده‌اند و دسته‌گل‌هایی که مردم با تغییر کاربری در طبیعت انجام داده‌اند به همراه گازهای گلخانه‌ای، مشهد را به جایی رسانده است که می‌توانید به عنوان یک کانون گردوغبار روی آن حساب باز کنید.

با ریزگرد چه می‌شود کرد؟

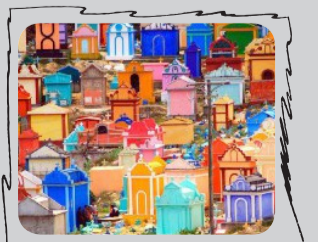
ذرات گردوغبار از نظر اندازه کاملاً متفاوت هستند و آن‌ها را از درشت (غیرقابل تنفس) تا ریز (قابل تنفس) طبقه‌بندی کرده‌اند. ذرات درشت گردوغبار حداکثر می‌توانند تا داخل بینی، دهان و حلق شما تشریف آورده، اما ذرات ریز قدرتشان بیشتر است و می‌توانند تا مجرای تنفسی و ریه شما نفوذ کنند. به همین خاطر بیشتر می‌توانند فاتحه‌تان را بخوانند. بیشتر ذراتی که در پدیده گردوغبار وجود دارند از نوع درشت یا غیرقابل تنفس هستند و تهدیدی جدی برای سلامت مردم ایجاد نمی‌کنند، ولی ممکن است در افرادی که سابقه بیماری تنفسی دارند و همچنین برای نوزادان، کودکان و نوجوانان و سالخوردگان مشکل ایجاد کنند. به اعتقاد کارشناسان مهم‌ترین راه‌حل این ماجرا مبارزه با بیابان‌زدایی است. راه‌حلی که باید از طرف مسئولان جدی گرفته شود و مردم هم در انجامش سهیم باشند.



در فیلم‌های تاریخی کارگرها را دیده‌اید که از بس از آن‌ها کار کشیده‌اند، تقریباً قیافه انسانی‌شان را از دست داده‌اند و آن قدر پوست و استخوان شده‌اند که آدم با درخت یا موجود دیگری می‌تواند آن‌ها را اشتباه بگیرد و دیگر همه کارکردهای انسانی‌شان را از دست داده‌اند؟ اگر دیده‌اید حتماً می‌دانید که آن کارگرهای نگویند بخت به دلیل شرایط سخت و غیرانسانی‌ای که داخلش قرار گرفته‌اند و هم‌چنین بهره‌کشی زیاد به این حال و روز افتاده‌اند و دیگر نمی‌شود از آن‌ها توقع آدمیزاد بودن داشت. این را گفتیم تا خدمت‌تان عرض کنیم که ریزگرد و گردوغبار فقط یک پدیده محیط‌زیستی نیست بلکه زمین و خاکی که ما روی آن زندگی می‌کنیم به دلیل رفتار غلط ما و بهره‌کشی بالا از آن، اوضاعش به اندازه همان کارگران قرون وسطی قاطی پاتی و خراب شده است، آن قدر که دیگر نمی‌شود ارزش توقع کارکرد درست را داشت و حسابی اوضاعش قاراش‌میش شده است. سر راستش می‌شود این که ما از زمین زیادی کار کشیده‌ایم. گرمایش جهانی، افزایش خشکسالی‌ها و بیابان‌ها یکی پس از دیگری متولد می‌شوند، ذرات ریزی را از کانون‌های ریزگرد در ارتفاعات بالای زمین پراکنده می‌کند که شعاع انتشار آن بیش از حد تصور است؛ یعنی برای مثال شما الان توی تهران یا مشهد نفس می‌کشید، اما گردوغباری که نوش‌جان می‌کنید گاهی غبارهایی هستند که از شمال آفریقا به ایران تشریف آورده‌اند. کارشناسان می‌گویند معلوم نیست در آینده زمین، شعاع پراکندگی ریزگردها تا چه حد افزایش پیدا کند و به چه میزان این پدیده توسعه پیدا کرده و یقه همه اهالی زمین را بگیرد.

داریم منقرض می‌شویم

الان ما در موقعیتی قرار گرفته‌ایم که روزی روزگاری دایناسورها در آن قرار داشتند. قرار است منقرض شویم؛ البته هیچ جای نگرانی نیست، چون اگر انقراض دوستان غول‌پیکرمان خیلی کند و طولانی و به همراه سختی و درد بود، ما به دلیل دخالت‌های بی‌جایمان در زمین و طبیعتش خیلی زود و بدون درد مثلاً از خفگی با ذرات گردوغبار منقرض می‌شویم. به گفته کارشناسان روند ششمین انقراض بزرگ آن قدر شتاب گرفته است که پیش‌بینی می‌شود در کمتر از صد سال، فاتحه‌مان خوانده شده و منقرض بشویم. این در حالی است که انقراض‌های بزرگ کره زمین طی میلیون‌ها سال رخ می‌دهند، اما سرعت تخریب در عصری که ما در آن زندگی می‌کنیم، به حدی زیاد است که زنجیره‌های حیات، تاب و تحمل این همه فشار را ندارند. ریزگرد پدیده‌ای نو و زیاد خرابکار است، به اندازه همان ویروس‌هایی که در آغاز فصل سرد می‌آیند و زور پزشکان بهشان نمی‌رسد. می‌توانند توی زندگی ما نفوذ کرده و بیچاره‌مان کنند. به این نگاه نکنید که بهشان می‌گوییم ریزگرد! آن‌ها می‌توانند اقتصاد را پنجر کرده و با تعطیلی مراکز کار، قطع برق، ایجاد محدودیت در حمل‌ونقل هوایی و حتی پوشیده شدن ریل‌ها از شن و ماسه، ما را از کار و زندگی ساقط کنند. ریزگردها با درگیر کردن ریه‌های ما، می‌توانند به‌آسانی سلامتی‌مان را به خطر انداخته و با افزایش هزینه‌های درمانی، اقتصاد



چه خوش‌درد!

خبرفوری

این جا قبرستان است یا نمایشگاه نقاشی

حالا که حرف مرگ‌ومیر شد گفتیم سری بزنیم به گواتمالا و از قبرستان‌های رنگ‌وارنگ آن‌ها بگوییم که بیشتر شبیه نمایشگاه نقاشی هستند. ظاهراً مردم این کشور رابطه خوبی با مرگ و دنیای بعد از آن دارند و مرگ را جشنی بزرگ می‌دانند، به همین خاطر قبر درگذشتگان‌شان را با رنگ‌های شاد نقاشی می‌کنند و این‌جوری صاحب قبرستان‌های باحال شده‌اند.



## هواداران فوتبال و رسانه‌ها را شگفت زده کرد

# بوغریب‌های فوتبال

علیرضا گرانپایه | فوتبال، مسابقه لحظه‌هاست. شما هر اندازه هم که قوی باشید باز هم به هیچ عنوان نمی‌توانید خودتان را از قبل برنده بدانید. باید به میدان بروید؛ بجنگید و برای به گل نشستن توب سعی کنید. همین موضوع باعث می‌شود که مثلاً هواداران پرسپولیس که تیمشان چهار بر صفر از الهلال شکست خورده بود، باز هم ناامید نشوند و برای موفقیت تیمشان دعا کنند. چرا؟ چون تاریخ فوتبال تا دلتان بخواهد از این دست نمونه‌ها که نتایج غیرقابل پیش‌بینی در یک مسابقه فوتبال رقم بخورد به خودش دیده است. بگذارید با هم هشت نتیجه عجیب و غریب چند سال اخیر فوتبال دنیا را مرور کنیم تا متوجه شوید که واقعا نمی‌شود فوتبال را به همین راحتی پیش‌بینی کرد.

بازی تیم برتر میدان بود، ولی نه با اختلاف شش گل. آن‌ها ۲۵ شوت به سمت دروازه حریف زد. یونایتدها تنها دو موقعیت بیشتر از آرسنال داشتند. حتی تعداد کرنرهای آرسنال از منچستر عجیب تأیید کرد که دیگر آرسنال جزو تیم‌های برتر لیگ جزیره نخواهد بود. آن‌ها در نتایج «سمیر نصری» و «سک فایرگاس» را از دست داده بودند. شاید اولین باری که من مربی بایستند و خواستار اخراجش شوند، بعد از همین مسابقه بود.

۲ سال ۲۰۱۱ آرسنال

۸ سال ۲۰۱۱ منچستر یونایتد

برای تیمی که همیشه بهترین بازیکنان جهان را جمع می‌کند و بیشترین افتخارات را در سطح اروپا و جهان دارد، شکست سنگین در برابر حریف سنتی به هیچ‌وجه قابل قبول نیست و چنین نتیجه‌ای هم قطعاً شوک‌آور است. در دیدار رفت دو تیم در سال ۲۰۰۵ در سانتیاگو برنابئو تماشاگران چاره‌ای نداشتند جز این که بلند شده و برای جادوگری‌های «رونالدینیو» در آن شکست ۳-۰ رئال مادرید دست بزنند. چهار سال بعد بارسلونا موفق شد رئال مادرید را در مادرید ۲-۶ شکست دهد. دو سال پیش هم آن‌ها ۴-۰ رئال مادرید «رافا بنیتز» را در مادرید شکست دادند، اما این ۵-۰ سال ۲۰۱۰ چیز دیگری بود. تیم «ژوزه مورینیو» تا پیش از این دیدار بدون شکست در صدر جدول لالیگا قرار داشت. «لیونل مسی» در این دیدار به‌جز گل‌زنی همه کار کرد، «ونالدو» از شدت عصبانیت پرخشگری می‌کرد و در صحنه‌ای با «گوار دیولا» درگیر شد. «اموس» با خطایی بد روی مسی از زمین بازی اخراج شد. در پایان این فصل بارسلونا قهرمان لالیگا شد، ولی این آخرین خاطره خوش بارسایی‌ها از کلاسیکو است.

۶ سال ۲۰۱۱ منچستر سیتی

۱ سال ۲۰۱۱ منچستر یونایتد

در حالی که بارسلونا در دیدار رفت در پاریس به‌شدت بد بازی کرده بود و شکست سختی را متحمل شده بود، اما آن‌ها در دیدار برگشت شنبه رویایی را در تاریخ برای خود و هواداران خود رقم زدند که شاید حالا حالاها کسی نتواند به رکورد «کامپک» آن‌ها دست‌درازی کند. بارسلونا بازی رفت را ۴-۰ مقابل حریف متمول خود در فرانسه شکست خورده بود و با آغاز بازی آن‌ها سرتاپا حمله بودند و در خوش‌بینانه‌ترین حالت آن‌ها باید ۴ گل زده و هیچ گلی دریافت نمی‌کردند تا بازی به وقت‌های اضافه برود. «لوئیز انریکه» تیم خود را تا جایی که ممکن بود هجومی چیده بود. تا دقیقه ۸۸ بازی در مجموع ۳-۵ به نفع پارسی‌ها بود، اما همه‌چیز در چند دقیقه پایانی عوض شد. «نیما» کاشته خود را به گل تبدیل کرد، «سوارز» با زبیری یک پنالتی از قاضی میدان گرفت و در لحظه پایانی «سرجی روبرتو» تیر نهایی را زد و نیوکمپ منفجر شد.

۱ سال ۲۰۰۲ سنغال

۱ سال ۲۰۰۲ فرانسه

فینال نیوکمپ ۱۹۹۹ را فراموش کنید، وقتی که وسعت حادثه را در نظر می‌گیرید این بزرگ‌ترین کامپک تاریخ لقب می‌گیرد. وسعت حادثه به این گفته می‌شود که میلان ۳-۰ نیمه اول را برده، در ورزشگاه آتاتورک استانبول هواداران میلان پرچم‌های پیروزی خود را برافراشته و سرود قهرمانی سر داده‌اند، اما در طرف مقابل «یرزی دودک»، «جیمی تراشوره»، «میلان باروش»، «استیون جرارد» و سایر بازیکنان لیورپول همگی مقهور قدرت‌نمایی میلان شده‌اند. نیمه دوم شروع می‌شود و جرارد موفق به گلزنی می‌شود و توب را برداشته و به سمت وسط زمین می‌رود. «ولادیمیر اسمیچر» و در نهایت «ژاوی آلونسوا» کار را به تساوی کشانده و به وقت اضافه می‌رود و پس از آن این ضربات پنالتی است که قهرمان را مشخص خواهد کرد. در ضربات پنالتی شاگردان «بنیتز» بهتر عمل کرده و جام به انفیلد خواهد رفت. این فینالی است که شاید در تاریخ دیگر تکرار نخواهد شد.

۲ سال ۲۰۰۲ کره جنوبی

۱ سال ۲۰۰۲ ایتالیا

شاید بتوان گفت تعجب‌آورترین نتیجه تاریخ فوتبال است. نتیجه این دیدار باور را معنا کرد. تا پیش از این دیدار بسیاری برزیل را قهرمان جام می‌دانستند و خود را آماده جشن قهرمانی برزیل می‌کردند، اما در سمت مقابل می‌توان آلمانی‌ها را تا پیش از این بازی «تجیب» خطاب کرد. آن‌ها به سختی از سد الجزایر در وقت‌های اضافه گذشتند. فرانسه را ۱-۰ بردند و به نیمه‌نهایی رسیدند. برزیل در این دیدار خوش‌شانس بود که تعداد گل‌های آلمان دو برابر نشد. برزیلی‌ها تاریخ‌سازی کردند، اما در مسیر عکس. آن‌ها یاد گرفتند که خود را از پیش برنده دانستن می‌تواند منجر به چه فاجعه‌ای شود. درس‌های آموخته‌شده از این شکست برزیل مثل غرور بیش از حد به عنوان کشور میزبان، انکای بیش از حد به نیمار و از پیش پیروز دانستن خود می‌تواند تا سال‌ها به تیم‌های دیگر پند بدهد، مگر آن‌که برزیل در جام جهانی ۲۰۱۸ خلاف آن ثابت کند.

۱۰ سال ۲۰۱۰ رئال مادرید

دو تیم شهر منچستر بود (هرکدام تا پیش از این بازی یک قهرمانی در دو فصل مقطع نشان داد که دلارهای نفتی ابوظبی کمی ثمر داده‌اند. در عمل نتیجه نهایی از شش گل سبترین‌ها بعد از دقیقه ۹۰ زده شد و در حالی بود که یونایتدها دهنفره به دروازه حریف هجوم می‌بردند. مهمان، میزبان را به بدترین و بی‌رحمانه‌ترین شکل های هواداران منچسترستی که تا پایان شب در خیابان‌های منچستر ادامه داشت،

۱۱ سال ۲۰۱۷ پاری سن ژرمن

است می‌تواند فوتبال را جذاب‌تر کند. سنغال قبلاً مستعمره فرانسه بود و به‌جز یکی در فرانسه بازی می‌کردند. «پاتریک ویرا»، هافبک جنگنده فرانسه در سنغال ل، فرانسوی بود. به لحاظ فرهنگی آن‌ها نقاط مشابهی داشتند، اما به لحاظ فوتبال «زین‌الدین زیدان» بهترین بازیکن جهان را داشت و مدافع عنوان قهرمانی بود، ولی سنغال و شانس قهرمانی‌اش یک به پانصد بود. وقتی در حدود دقیقه ۳۰ «پاپا یویا دیوپ» را اسکوت فرا گرفت و تلاش فرانسه بدون زیدان برای به تساوی کشاندن بازی به پانی ۲۰۰۲ را رقم زد.


۳ سال ۲۰۰۵ لیورپول

ففتی‌ها، فرانسه از سنغال شکست می‌خورد و در گروه خود آخر می‌شود. ترکیه ساخته شده و همه کار می‌کند. «یکه‌ام» از آرژانتین انتقام می‌گیرد و آرژانتین مدعی در گزیننه برای شگفتی‌سازی در این جام، کره جنوبی است که در راه رسیدن به چهار تیم ، ایتالیا و اسپانیا شد. «آن یونگ هوان»، بازیکن پروچای ایتالیا در وقت اضافی موفق می‌گیرد؛ البته در این راهیابی کره جنوبی به مراحل بالا، اشتباهات داورى نقش

۱۱ سال ۲۰۱۴ برزیل

# FOOTBALL


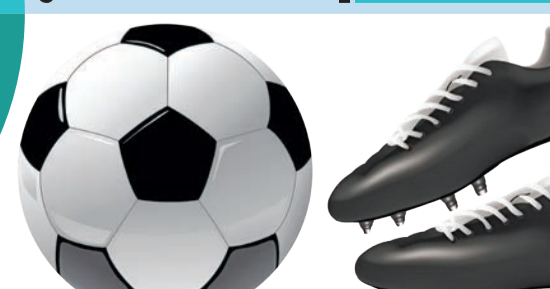
صفحه پنجم  
شماره ۴۵  
شماره ۴۵



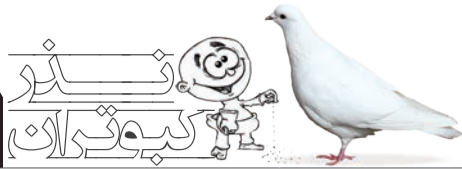
«علی علیپور» مرد اول  
این روزهای پرسپولیس و  
«برانکو» است

روزهای روایتی  
یک فریب‌ناپذیر است

«علیپور» در سال جدید ۹ گل زده و پنج پاس گل داده است. ضمن این که اولین گلش در لیگ قهرمانان آسیا را زد، اولین پاس گلش را در لیگ قهرمانان آسیا داد و تنها بازیکن پرسپولیس لقب گرفت که در هر سه جام این فصل گل زده است. سال ۱۳۹۶ برای علی علیپور رویایی‌تر از چیزی رقم خورد که فکرش را می‌کرد. امسال علی علیپور ۹ گل برای پرسپولیس زده و پنج پاس گل داده است. او در لیگ شانزدهم تا قبل از شروع سال جدید فقط یک گل زده بود. اتفاقی که باعث شده بود فشار زیادی را تحمل کند، ولی با آغاز سال جدید، او سه گل در لیگ برتر به ثمر رساند و دو پاس گل هم داد که تأثیر زیادی در جلو افتادن قهرمانی پرسپولیس داشت. علیپور اولین پاس گلش در لیگ قهرمانان آسیا را در ۱۸ اردیبهشت در بازی مقابل الوحده ارسال کرد. فصل به بهترین شکل ممکن برای مهاجم پرسپولیس به پایان رسید. او بین دو فصل هم تمرینات بدنیش را تحت نظر «مارکو» انجام داد تا در آغاز فصل جدید هم سرحال باشد. علی علیپور اولین گل فصل جدید پرسپولیس را به ثمر رساند. مهاجم چابک و فعال پرسپولیس فقط ۱۷ دقیقه زمان لازم داشت تا دروازه نفت تهران را باز کند و راه را برای قهرمانی پرسپولیس در سوپر جام هموار کند. در شرایطی که همه شرایط را برای تشکیل زوج «طارمی» و «منشا» بررسی می‌کردند، علیپور معادلات را به هم زد و خودش در ترکیب فیکس باقی ماند. حتی بعد از اخراج در اولین بازی لیگ هم باعث نشد که برانکو از او صرف‌نظر کند. علیپور در لیگ این فصل چهار گل زده است. در دیگر دیدارها و برای اولین بار هم گل زد. این بازیکن تا قبل از فصل جدید در پایان هیچ فصلی بیشتر از پنج گل نزنده بود، در حالی که در فصل جدید تا همین مقطع از فصل هم تعداد گل‌های رده‌اش از عدد پنج بالاتر رفته است.





## نمایش

فصل سیب (۱)  
بایز فصل برداشت سیب از باغ های کشور است. درختان باغ های غرب کشور مثل ارومیه، سیب قرمز را به ما هدیه می دهند.



### دخترهای مردم

### داداد هشتاپی ها



دوست نوجوان من! ههدد کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان خراسان رضوی با همکاری روزنامه هشت به سمت شما پرواز کرده تا شما پرندهای شجاع و زیبا را ببرد به کوه قاف. اگر شما هم به ههدد کمک کنید، ما زودتر به آنجا می رسیم.  
پست الکترونیکی ما: hodhod8@kpf-khr.ir



### بخند و فرکانست را عوض نکن!



در یادداشت قبلی خدمتتان گفتیم که راهکار اورژانسی من برای عصبانی نشدن و از کوره در رفتن، کتاب خواندن بوده البته به شما هم همنشینی با این یار مهربان را پیشنهاد می کنم. توصیه می کنم آنهایی که به ورزشگاهها می روند همین که احساس کردند می خواهند از آن حرفهای بد بزنند یا پاره آجر و تکه های بتون و صندلی و گلاب به رویتان گوجه و تخم مرغ گندیده و اقلام فاسد بدبو وسط زمین پرتاب کنند با خودشان یک کتاب جیبی همراه داشته باشند و موقع عصبانیت آن را نگاه کنند.

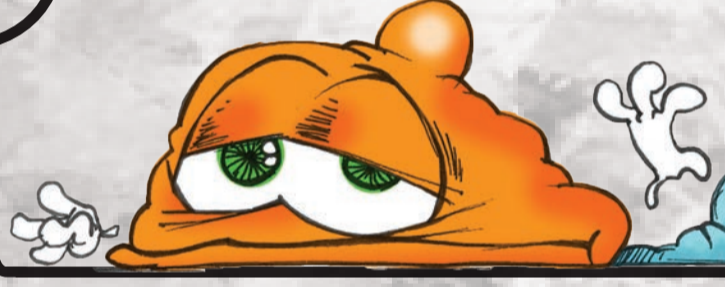
البته این هم یک خیالپردازی است، انگار من هنوز در عالم نوجوانی و رویاهای آن روزها هستم. مگر می شود کسی که می خواهد با قفل فرمان و آچار فرانسه وسط ترافیک به شما حمله کند کتاب بدهی و آرامش کنی؟ اما همین حالا به سرم زد، چه کار کنم. بالاخره به عقل ناقص بنده این رسید و گفتم: حالا خیلی نخندید به من، اگر هم خواستید بخندید خوب است ناراحت نمی شوم، چون خنده واگیردار است و چه کاری دلنشین تر از خندیدن و خنداندن دیگران؟! از شما چه پنهان خودم هم الان دارم می خندم. حالا شما هم اگر هنوز داری می خندی، بخند عزیزم نمی خواهد به خاطر من هول هولکی فرکانست را عوض کنی.

همه دغدغه من این است که مردم به خصوص نوجوانها عصبانی نشوند. خنشان با عصبانیت کیف نشود یا توی عصبانیت سکوت کنند، چون همیشه تصمیمهایی که در اوج عصبانیت گرفته می شود خیلی دلخراش و بد هستند، حرفهایی که در عصبانیت گفته می شوند خیلی ناراحت کننده و فزری هستند، یعنی زود از دهن می پرد بیرون و عین تیر می نشیند و قلب آدم مقابل، نوجوانی دنیای زیباییها و خیالپردازیهاست. خیالپردازی هم فناوری رسیدن به واقعیت است، پس سراغ افکار و رویاهای خوب بروید، چون به هر چیزی که فکر می کنید برای آن دعوتنامه می فرستید، من که عاشق خوبیها، زیباییها و مهربانیها هستم و فقط برای آنها دعوتنامه می فرستم. شما برای چه چیزهایی دعوتنامه می فرستید؟ ببینم هنوز دارید می خندید؟ تا فرکانستتان عوض نشده از خودتان عکس بگیرید و ببینید چقدر زیبا می خندید.

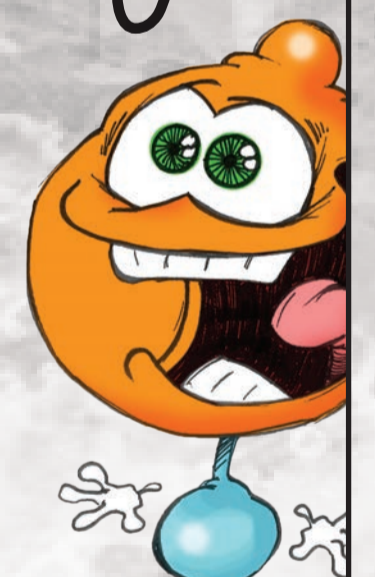


«من تحملم کمه؟ من؟» روزی دهبار این جمله را به شکل پرسشی عمیق مطرح می کنم. کی؟ خوب معلوم است! وقتی می شنوم که: «ای بابا یک کم تحمل داشته باش. عجب دختر کم طاقتی هستیها!» بلند تکرار می کنم: «من تحملم کمه؟ من؟» نفر اول مامان جمله اش را وصل می کند به سؤال ناباورانه من. بله، دختر من! بله، جان من! کم تحملی، خیلی هم کم تحملی، دیروز گفتم: «یک ساعت دم در مدرسه منتظر شدم بیاین دنبالم یا ماشین که با اون اتوبوسای شلوغ نیام خونه. بعد بیست دقیقه خسته و گرسنه و تشنه معطل شدم تا اومدین، حالا شما می گین کم تحملم؟» مامان ابروهایش را گره زد به هم و تندتند سیب زمینی را روی رنده کشید و نگاهم کرد. داشتم می رفتم از آشپزخانه بیرون که گفت: «توی اون بیست دقیقه چه اتفاقی برات افتاد؟ چند کیلو لاغر شدی از گرسنگی؟ اصلاً سر کار خانم فهمیدی من توی این هوای بارونی گیر کرده بودم وسط ترافیک؟ تکه به خیالت نشسته بودم توی خونه و برای خودم تمبر هندی می خوردم؟» دهنم از شنیدن کلمه دلچسب و ترش تمبر هندی آب افتاد و با خوشحالی پرسیدم: «مامان، آخ آخ! گفتم تمبر هندی؟ کجا قایمش کردی؟ همه کابینت ها را گشتم صبح.» مامان جواب داد: «برو که الان تحمل منم تموم شده از دست تو.»

# من تحمل کمه؟



موقع درس خواندن در خانه سرم را ببرم از پنجره بیرون و به بچه های همسایه بگویم عزیزانم بلندتر جیغ و داد کنید، آفرین قربانتان بروم من با صدای شما خوب تر درس را یاد می گیرم؟ اگر شما به این صبورهای بی فایده می گوید تحمل و سازگاری با شرایط و محیط و امکانات، باشد... من از فردا این نرم افزار تحمل را روی خودم نصب می کنم. فقط اگر دیدید شکل آدمهای برق گرفته موهایم وزوزی شده لطفاً نخندید. اگر دیدید تحمل کردم و دیر به غذا رسیدم و افت فشار پیدا کردم و راهی درمانگاه شدم نگوئید ای وای چی شدی؟! یک نرم افزار تحملی روی خودم نصب کنم که اندازه ۱۰ تا از شما دخترهای مردم پر تحمل شوم. حالا می بینید! شما که می دانید من وقتی تصمیمی را می گیرم تا پای جان برایش تلاش می کنم. الان هم از روی این که نمی توانم تایپ کردن را تحمل کنم نیست که دارم به خدا می سپارم تا بلکه دارم می روم ببینم می شود بعد از دو روز تحمل دوری تمبر هندی محل اختفایش را در آشپزخانه یا دیگر جاهای احتمالی پیدا کنم یا نه؟! انصافاً دو روز نخوردن تمبر هندی، آن هم وقتی می دانی توی خانه هست و پیدایش نمی کنی تحمل زیادی نمی خواهد؟ حالا چه کسی می تواند بگوید من کم تحملم؟ یعنی دلم می خواهد یک نفر تان دستش را بالا ببرد و بگوید: من! البته من تحملم در شنیدن نظرات مخالف زیاد است. مخالفت کنید. بیایید با من مخالفت کنید تا باور کنید که راست می گویم.



دخترهای مردم کجا این قدر حواس پرت هستن؟ من دارم ازت سؤال می کنم، تو آدرس تمبر هندی می پرسی از من؟ اصلاً با همون اتوبوس شلوغ بیا، دیگه هم نیام دنبالت! رفتم کلی صورتش را بوسیدم و خودم را لوس کردم که کوتاه بیاید و این کار را نکند، اما تا عصر زیر لب، دخترهای مردم دخترهای مردم کرد. خدایی مانده ام که واقعا من کم تحملم؟ این که از ساعت ناهار همیشه که رد می شود نمی توانم با گرسنگی دست و پنجه نرم کنم، کم تحملی است؟ این که نمی توانم توی اتوبوس به آن شلوغی گرما و فشار آدمها و ترمزهای راننده را تحمل کنم کم تحملی است؟ این که نمی توانم وقتی می رویم خرید و مامان سخت پسند است و می خواهد کل مغازه های یک خیابان را دنبال روسری خوش رنگ بگردیم و پاهایم درد می گیرد کم تحملی است؟ این که نمی توانم چند ساعت پشت سر هم درس بخوانم و سرودهای بچه های همسایه را که توی پارکینگ بازی می کنند نشنیده بگیرم کم تحملی است؟ ای بابا! چرا شما هم می گوید من کم تحملم؟ اصلاً من را بگو از چه کسانی سؤال می کنم؟ از دخترهای مردم! یادم نبود شما آن قدر صابر و تحمل هستید، آن قدر در شرایط سخت طاقتتان زیاد است که نگو و نپرس. خوب حالا می فرمایید من چه کار کنم مثل شما خانمهای صبور تحملم زیاد شود؟ بروم روی دوشم یک گونی برنج بگذارم و از پله ها بیایم بالا بروم همه اتوبوس های شهر را سوار شوم هی ترمز بگیرند، هی در اتوبوس و در فشار جمعیت لبخند بزنم؟

عاطفه رنگ آمیز طوسی، مربی فرهنگی مرکز هفت کانون پرورش فکری مشهد.



گاهی فقط خودت می دونی که چقدر در حق خودت ظلم کردی.  
# شاعر تنها  
من برای گوش دادن به حرفهای دیگران خیلی خوبم و می توانم به خوبی تظاهر کنم که توجه می کنم؛ فقط هر ده دقیقه به بار باید تکونم بدن که از خواب بیدار شوم.  
# تبیل خان  
اگر می خواهی شخصیت واقعی انسانی را بشناسی به حرفهایی که دیگران درباره او می زنند توجه کن، بین که او درباره دیگران چطور صحبت می کند.  
# استاد بزرگ  
افلاطون را گفتند: تو چرا هر گز غمگین نمی شوی؟ افلاطون به پر گذاشت لای کتاب، کتاب را آرام بست، سپس لبخندی زد و گفت: در زندگی دیگران کنجکاو نکن.  
# خوشمزه خان

مکالمه دو لافزن، دیروز رفتم شکار... جات خالی حالا چی زدی؟ سه تا زرافه، دو تا ببر، چهار تا شیر، یکدونه فیل... فقط همین؟ مگه با «یه تیر» می شه بیشتر از اینم زد؟ آبرومون رفت، یعنی تنگم داشتی؟  
# آقای همساده  
تو خونه ما آگه تراول چک هم رو زمین افتاده باشه کسی بر نمی داره، ولی کافیه نیم متر از لیوان چاییت دور بشی، اولین نفر برداشته و خوردتش.  
# خیل خان  
موقع غذا خوردن چند قاشق کمتر غذا می خورم و زودتر از بقیه از سر سفره می رم کنار، در عوض جمع کردن سفره و نشستن ظرفها نمی افته گردنم.  
# تبیل خان

